

بررسی علل و ریشه های قاچاق کالا در کشور
(علل، پیامدها و راهکارها با تاکید بر استان بوشهر)

اسماعیل شفیعی، لیلا انبارکی *

۱ ۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵ / ۱۱ / ۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶ / ۲ / ۲۱

چکیده

جرائم اقتصادی از مهمترین و پیچیده ترین جرایم به شمار می روند. در این میان قاچاق کالا به عنوان هسته اصلی جرایم اقتصادی نقش اساسی در گسترش ناامنی اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و ... در کشور ایفا می کند. ریشه های اصلی پدیده قاچاق را می توان در بعد داخلی و خارجی جستجو نمود. مهمترین عوامل داخلی این پدیده عبارتند از: اقتصاد بیمار کشور، عدم وجود قوانین جامع و کلان در امر مبارزه با قاچاق، وجود قوانین سخت گمرکی و وجود فرهنگ مصرفی و وابسته دانست. مهمترین عوامل خارجی این پدیده نیز جهانی شدن اقتصاد، افزایش تولیدات جهانی و تلاش کشورهای توسعه یافته در کنترل و استمرار وابستگی سایر کشورها می باشد. در این مقاله که به روش توصیفی، تحلیلی با تکیه بر مطالعات کتابخانه ای تهیه شده است سعی بر آن بوده تا ضمن جهت گیری در رفع این نقیصه، برخی از آثار و عوارض منفی آن بر امنیت اقتصادی اجتماعی کشور و یا به عبارت دیگر تاثیرات اقتصادی آن با هدف کمک به سیاست گذاری های مرتبط با امر مبارزه با قاچاق کالا مورد کاوش و بررسی قرار گیرد.

واژه های کلیدی:

جرم اقتصادی، قاچاق کالا، امنیت اقتصادی، جهانی شدن

^۱ - دکتری علوم سیاسی، دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد شهرضا

^۱ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش سیاستگذاری دانشگاه آزاد شهرضا

اگر بخواهیم در حوزه علوم راجع به «جرائم اقتصادی» کندوکاو نماییم. در اولین گام به حوزه اقتصاد خواهیم رسید. هر چند این پدیده مجرمانه بخش هایی از علوم اجتماعی، سیاسی، نظامی و... را هم در بر می گیرد، لیکن جایگاه مناسب مطالعه و بررسی آن در حوزه اقتصاد قرار دارد. به بیان دیگر جرائم اقتصادی پدیده ی چند بعدی است و برای مبارزه با آن باید هم ساز و کارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نهایتاً انتظامی را مورد توجه قرار داد.

بخش هایی از اقتصاد را که دولت به هر دلیلی نمی تواند نظارت کامل بر آن ایفا نماید اقتصاد زیر زمینی نامیده می- شود. این بخش سیاه، بستر مناسبی برای شکل گیری اکثر فعالیت های غیر قانونی است که ماهیت اقتصادی دارند. در قوانین تمام کشورهای جهان از این پدیده ضد اجتماعی به عنوان عاملی که موجب رکورد و اعتدال در سیستم حیات اقتصادی جامعه، می شود نام برده شده است منشاء پیدایش این کنش مجرمانه را باید در کشورهای صنعتی جستجو کرد زیرا آنها پس از دست یابی به انبوه تولید کالا با مشکل بازار مصرف روبرو می شوند و کشورهای جهان سوم را به عنوان ابزاری برای رفع این معضل مورد توجه قرار می دهند و جرایمی همچون قاچاق را نیز به صورت یک حربه فرهنگی اقتصادی به خدمت می گیرند.

اکنون باید جرائم اقتصادی به ویژه قاچاق را به عنوان یک تجارت غیر قانونی چند مثلثی به حساب آوریم که توسط یک مدیریت تعلیم دیده در سطح بالا با وضعیت پیچیده مالی اداره می شود. شبکه های مافیای قاچاق برای افزایش کارایی و قدرت نفوذ و حضور بیشتر در صحنه های ملی، منطقه ی و بین المللی، هر روز، در حال توسعه ی ابتکارات مجرمانه و تنوع بخشیدن به کارکردهای خود هستند و در این راه اکثر امکانات و فناوری پیشرفته را به خدمت می- گیرند. وجود پلیس متمرکز تحت یک فرماندهی واحد می تواند مبارزه با جرائم اقتصادی به خصوص قاچاق را در کلیه مبادی شدت بخشد ولی متأسفانه هم اکنون پراکندگی مبارزه در مرزهای تحت فرماندهی نیروی انتظامی و مبارزه در مرزهای گمرکی توسط گمرک، وضعیت نامطلوبی را ایجاد کرده و راه سوء استفاده برای قاچاقچیان فراهم شده است و آنچه این وضعیت را تشدید می کند نحوه کنترل ورود و خروج کالا در مناطق آزاد، مناطق ویژه اقتصادی، بازارچه های مرزی و ... است .

قاچاقچیان همواره بر اساس شرایط زمانی و مکانی، مناسب ترین گزینه را به کار می گیرند. لذا دو گانگی یا چند- گانگی مدیریت در مبادی و ناهماهنگی بین سازمان های ذیربط بعضاً به بی نتیجه شدن اقدامات اجرایی منحصر می- شود. بر فرض، اگر تنها در یکی از مبادی یاد شده مبارزه با قاچاق شدت پیدا کند با استفاده از مبادی دیگر این فعالیت تحت الشعاع قرار داده می شود. (لشنی پارسا؛ ۱۳۷۸: ۹۱)

۱- تعاریف، مفاهیم و کلیات

قاچاق واژه ترکی و به معنای بُرده، ربوده، تردستی و پنهان کاری است. در زبان انگلیسی واژه (Smuggler) و در زبان فرانسوی (Illicit) به معنای گمرک گریزاندن، قاچاق کردن، قاچاق خارج یا وارد کردن، تجارت ممنوع یا غیر قانونی تعریف شده است. قاچاق از نظر لغوی، تعاریف متعددی دارد. از این میان دو تعریف مورد تاکید است؛ نخستین تعریف مربوط به کنوانسیون بین المللی است که «قاچاق، عبارت است از، تقلب گمرکی در گذراندن مخفیانه کالا از مرزهای گمرکی.» در تعریف دیگر آمده است: «قاچاق یعنی متاعی که معامله یا ورود آن به کشور ممنوع باشد و عملی است بر خلاف قانونی که پنهانی

انجام می شود به طور کلی هر نوع معادله یا مبادله کالا با پول یا کالای دیگر که محدودیت یا ممنوعیتی از سوی دولت بر آن ایجاد شده باشد، قاچاق محسوب می شود.» (کلاهمال همدانی؛ ۱۳۸۷: ۱۹)

در علم اقتصاد به صورت مشخص به ورود و خروج کالا که به صورت مخفیانه از مرزهای کشور وارد و یا خارج شود، قاچاق می گویند. کالای اقتصادی که مورد قاچاق قرار می گیرد را کالای قاچاق می نامند. شخص و یا اشخاصی که مبادرت به انجام قاچاق می نمایند را قاچاقچی یا سوداگر گویند. قاچاق بخشی از اقتصاد غیررسمی است که در آمارهای رسمی ثبت نمی شود. قاچاق کالا یک فعالیت اقتصادی غیر قانونی است که در آن عوامل تجاری قانون گریز از فرصت های سودآور بخش تجارت خارجی استفاده و مبادرت به قاچاق می کنند. از دیدگاه نظر اقتصادی، اگر شرایط سودآوری برای قاچاق وجود نداشته باشد و در مقابل، شرایط اقتصادی مناسب یا امنیت اقتصادی برای واردات رسمی تامین شود، پدیده قاچاق کالا محدود می شود.

قاچاق با انگیزه فرار از محدودیت های تعرفه های موجود در نظام تجاری کشور انجام می شود که رشد آن درآمد دولت را کاهش می دهد. کاهش درآمد دولت از یک سو با تحمیل آثار منفی بر نظام تخصیصی منابع، کمیت و کیفیت عرضه کالا و خدمات عمومی را کاهش می دهد و از سوی دیگر، انجام سرمایه گذاری مولد توسط دولت را محدود می کند و به این ترتیب موجب تهدید اقتصادی ملی خواهد شد. (مداح؛ مجید؛ ۱۳۸۷: ۲۳)

الف) مفهوم قاچاق در کنوانسیون بین المللی (۱۹۷۷)،

اصطلاح «قاچاق» عبارتست از تقلب گمرکی که شامل گذراندن مخفیانه کالا به هر طریقی از مرزهای گمرکی می باشد که بدان وسیله شخص موجب اغفال گمرک و فرار از پرداخت تمام یا بخشی از مالیات ها و عوارض مربوط به ورود یا صدور شده یا اجرای ممنوعیت ها و محدودیت های موضوع قانون امور گمرکی را نادیده گرفته و یا منافی مغایر با قانون امور گمرکی به دست آورد.

ب) مفهوم قاچاق در تعریف قاچاق در سازمان جهانی گمرک WCO:

قاچاق را تخلف گمرکی دانسته که شامل جابجایی کالا در طول یک مرز گمرکی به روش مخفیانه و به منظور فرار از نظارت گمرکی انجام می شود.

ج) مفهوم قاچاق در تعریف قاچاق بر اساس قانون امور گمرکی:

ماده (۲۹) قانون امور گمرکی در (۱۱) بند مواردی از قاچاق را احصاء و در بند (۱) آن مبادرت به تعریفی می نماید که نسبت به سایر بندها اهمیت خاصی دارد و مقرر می کند: وارد کردن کالا به کشور یا خارج کردن کالا از کشور به ترتیب غیرمجاز مگر آنکه کالای مزبور در موقع ورود یا صدور ممنوع یا غیرمجاز یا مشروط نبوده و از حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض برخوردار نباشد. این بند از یک اقدام که عبارتست از فعل مثبت مادی - در مقابل ترک فعل - که بوسیله افراد انجام می شود صحبت می کند بنحوی که در این بند عمل وارد کردن یا خارج کردن خود پیکره جرم قاچاق محسوب می شود، اعم از اینکه اقدام، نوعی عمل ساده باشد یا مرکب یعنی بوسیله انواع عملیات متقلبانه.

د) مفهوم قاچاق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

قاچاق کالا جرم تلقی شده و به نگهداری، توزیع، حمل، نقل و فروش کالاهای خارجی که جنبه تجاری داشته و از طریق غیر مجاز بدون پرداخت حقوق ورودی وارد کشور می شود اطلاق می شود. قاچاق ممنوع بوده و مشمول مجازات های قوانین قاچاق کالا می شود.

ه) مفهوم قاچاق در قانون مجازات مرتکبین قاچاق

قانونگذار در موارد (۵-۱) قانون بدون تعریف جرم قاچاق و با طبقه بندی این جرم در دو گروه عمده ۱- اموال موضوع درآمد دولت ۲- اموال ممنوع الصدور و ممنوع الورد و کالای انحصاری، مبادرت به تعیین مجازات برای مباشر مستقیم جرم، شریک، معاون، حامل و شروع به جرم قاچاق نموده و در ماده (۴۵) آن گروه دوم متعلق جرم قاچاق را چنین تعریف نموده است: «مقصود از قاچاق اسلحه وارد کردن به مملکت و یا صادر کردن از آن یا خرید و فروش یا حمل و نقل و یا مخفی کردن و یا نگاه داشتن آن است در داخل مملکت. مقصود از قاچاق اشیای ممنوع الورد یا ممنوع الصدور، وارد کردن اشیای ممنوع الورد است به خاک ایران در هر نقطه از مملکت که اشیای مزبور کشف شود و خارج کردن اشیای ممنوع الصدور و یا تسلیم آن است به متصدی حمل و نقل و یا هر شخص دیگری برای خارج کردن و یا هر نوع اقدام دیگری برای خارج کردن از مملکت»

۲- ضرورت مطالعه پدیده قاچاق کالا

پیامدهای منفی قاچاق بر اقتصاد ملی، لزوم شناسای علل قاچاق را مطرح می کند. در موضوع قاچاق همواره چرایی و اثرات آن مطرح است و این سوال که دلایل انجام قاچاق و پیامدهای اقتصادی آن کدام است. شناخت پدیده قاچاق در حوزه مطالعات ذیل دارای اهمیت است:

- ایجاد اخلال در عملکرد نظام اقتصادی
- ایجاد اخلال در سیاست های تجاری ، مالی و پولی
- ایجاد اخلال در کارکرد متغیرهای سیاسی
- کاهش درآمدهای دولت (درآمدهای مالیاتی)
- توسعه نفوذ عوامل داخلی و خارجی شبکه قاچاق کالا در سیستم اداری
- انحراف در تخصیص منابع
- رشد نرخ بیکاری
- کاهش حیطة اقتدار مدیریت
- افزایش اقتصاد زیر زمینی

علاوه بر موارد مذکور، قاچاق کالا، پدیده ی پیچیده و چند وجهی است و آثار آن فقط در بعد اقتصادی خلاصه نمی شود بلکه طیف وسیعی از آثار مخرب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این پدیده (نظیر کم رنگ شدن ارزش های اخلاقی) در کنار آثار زیانبار اقتصادی آن نیز قابل اشاره می باشد که ضرورت مطالعه آن را تبیین می کند.

هدف این مقاله پرداختن به این مسائل است. به این منظور ابتدا لازم است با مروری بر ادبیات قاچاق علل و پیامدهای آن شناسای شوند.

۳- مفاهیم نظری

۳-۱- مروری بر ادبیات قاچاق

از دهه ۱۹۶۰ موضوع قاچاق به طور جدی وارد مطالعات تجربی و نظری شد، گوپر (۱۹۶۰) پیشگام مطالعات تجربی در مورد قاچاق است. وی با بررسی شیوه های مختلف قاچاق در اندونزی نتیجه می گیرد: بارگیری و تخلیه کالا در مکان های غیر رسمی از جمله روش های قاچاق در اندونزی است.

وی در مطالعات دیگری افزایش نرخ مالیات را در افزایش فرار از پرداخت مالیات بر واردات موثر می داند. باگواتی وهانس (۱۹۷۳) و شیخ (۱۹۷۴) در مطالعاتی جداگانه عامل اصلی رشد فعالیت های غیر قانونی را قاچاق کالا را تعرفه های گمرکی و محدودیت های تجاری می دانند. تعرفه گمرکی قیمت داخلی کالای وارداتی را افزایش می دهد که این مسئله انگیزه تامین مصرف داخلی کالا از طریق قاچاق را که با فرار تعرفه ی توأم است تقویت می کند. این سه نظریه پرداز تجاری، آثار قاچاق را نیز بررسی کرده اند؛ باگواتی وهانس در چهارچوب های الگوی متعارف دو کالای نشان می دهند: در حات عدم همزیستی قاچاق و تجارت قانونی، قاچاق می تواند رفاه را کاهش یا افزایش دهد؛ این در حالی است که در حالت همزیستی، قاچاق و تجارت قانونی، قاچاق لزوماً رفاه را کاهش می دهد.

باگواتی سینواسان (۱۹۷۴) در مطالعات دیگری در چهارچوب یک تحلیل ریاضی نشان می دهند: اگر تجارت قانونی به وسیله قاچاق محدود شود، وضعیت رفاهی را بهبود می بخشد؛ چون با وجود قاچاق قیمت کالای قاچاق کمتر از قیمت کالای تعرفه دار- که مبنای واردات قانونی است - خواهد شد

شیخ نیز با تعدیل فرضیات باگواتی وهانس آثار رفاهی قاچاق را بررسی کرده است. وی از طریق ابزار نمودار ها نشان می دهد: قاچاق مقدار تولید کالای صادراتی و وارداتی را کاهش می دهد و در حالت همزمان تجارت قانونی و قاچاق، رفاه را افزایش می دهد.

در پژوهشی که گاتی (۲۰۰۰) در رابطه میان گوناگونی نرخ های تعرفه بر واردات و فساد مالی در گمرک انجام داد، مشخص شد تنوع و پیچیدگی بیشتر عوارض بر واردات، فرصت بیشتری را برای کسب درآمدهای غیر قانونی در نزد مسئولان گمرک از طریق دستکاری و طبقه بندی کالاهای وارداتی، که خود شکلی از قاچاق کالا است، به وجود می آورد عامل قاچاق با شکست قانون، به دور از چشم مقامات دولتی در فعالیت های غیر قانونی مشارکت دارند که از این جهت با ریسک ناشی از کشف قاچاق مواجه اند. در این رابطه «پاپل» اقتصاد غیر رسمی و قاچاق را با اقتصاد ریسک مرتبط دانسته و معتقد است: اگر جریمه مورد انتظار در فعالیت های قاچاق کمتر از مالیات باشد، قاچاق صورت می گیرد. نورتین (۱۹۸۸) نیز در مقاله ی با عنوان «تئوری اقتصاد قاچاق» ضمن بیان علل قاچاق، رابطه میان قاچاق و ریسک را بررسی کرده است. وی با تعریف تابع سود مورد انتظار برای عامل قاچاق پس از حداکثر سازی یک تابع مقید نتیجه می گیرد: با افزایش نرخ مالیات، مقدار کالای قاچاق افزایش می یابد. همچنین با افزایش نرخ جریمه از طریق کاهش سود مورد انتظار عامل قاچاق، موجودی کالای قاچاق کاهش خواهد یافت.

در مطالعات تجربی، ضعف نهادها نیز به عنوان عامل موثر در رشد فعالیت های غیر قانونی معرفی شده است که در این رابطه، «فری» و «ویک»؛ عامل کاغذ بازی، جانسون بروکراسی، فساد و ضعف سیستم حقوقی و جانسون، کافمن و لباتن

(۱۹۹۸) بروکرسی و مقررات اداری را در فراهم نمودن شرایط مناسب در شکل گیری تجارت غیر قانونی موثر می دانند. بخش دیگری از ادبیات قاچاق به اندازه گیری آن اختصاص دارد. (مداح، مجید؛ ۱۳۸۷: ۲۴)

۲-۳ نظریه ها و تئوری های کج رفتاری مرتبط با قاچاق

برای بررسی علل و عوامل موثر بر قاچاق کالا، نظریات مختلفی وجود دارد در ادامه به بخشی از این نظریات جهت رسیدن به یک چارچوب نظری، اشاره شده است. هدف عمده تمامی نظریه ها تبیین واقعیت است و منظور از تبیین، توضیح در باره وقوع یک واقعه و استنتاج آن طبق قواعد منطق قیاسی از قوانین کلی تر است. لذا نظریه ها برای به هم پیوستن زنجیره علل پاسخ مثبت داده (راین، آلن، ۱۳۶۷: ۹۴) به تعبیر توماس کوهن (۱۳۶۹: ۲۵). الگوها، سرمشق به ما می دهند.

آنومی اجتماعی

«بی هنجاری به مفهوم پریشانی و سرگشتگی آدمی است در برابر قوانین، قواعد و هنجارهای اجتماعی». بدین معنی که هنجارهای اجتماعی اقتدار آمرانه و جنبه مطلوب خود را بر فرد از دست داده و مدیریت اخلاقی لازمه را بر وی نمی توانند اعمال کنند، نتیجتاً فرد نمی تواند جهت رفتار خویش را تعیین کند.

بی هنجاری همچنین وضعیت اجتماعی ویژه ای است که در آن هنجارها و معیارهای اجتماعی دچار پریشانی شوند و یا آنکه با یکدیگر ناهمساز باشند و فرد برای هماهنگ شدن با آنها دچار سردرگمی و سرگشتگی شود. نتیجتاً فرد در وضعیتی قرار می گیرد که به برون خویشتن خود پناه می برد و بدبینانه همه پیوندهای اجتماعی را نفی می کند. (محسنی، تبریزی، ۱۳۷۰: ۴۳-۴) از نظر دورکیم آنومی اشاره به نوعی بی سازمانی، اختلال، گسستگی، بی هنجاری در نظام جمعی دارد.

نظریه های انحراف مکتب تضاد

مکتب تضاد انحراف را زائیده ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه طبقاتی در نظر می آورد. صاحب نظران اصلی این مکتب، اصل تضاد را در جامعه پذیرفته و معتقدند که جامعه های طبقاتی اصالتاً بر تضاد و رقابت استوار است و نظام های اجتماعی و ارزش های موجود توسط زود و قدرت بر افراد جامعه تحمیل شده است.

نظریه های انحراف مکتب تضاد عمدتاً بر آراء و افکار کارل مارکس و فردریک انگلس استوار است و از نظریه پردازان جدید آن می توان از بنگر، کوئینی، ولد، و ترک نام برد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۱۳)

نظریه دیویس: تئوری فقر و رفاه

دیویس معتقد است که تمایل به فعالیت های مختلف در انسان ها وقتی بروز می کند که پس از یک مرحله رشد اقتصادی یک دوران رکود پیش می آید به طوری که در مرحله رشد اقتصادی انتظارات و نیازهای جدیدی در آنها بوجود می آید که در عین حال ارضاء نمی شود و در مرحله رکود این انتظارات و نیازها متوقف نمی شود و یا عقب نمی روند. بلکه هیجان رشد می یابد ولی امکانات گرچه در ابتدا با سرعت کمتری از نیازها رشد می کند اما به زودی باز می ایستد، در نتیجه ناامیدی عمیق فرد را فرا می گیرد (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۳۹)

نظریات مارکس و انگلس

از نظر مارکس و انگلس شرایط اقتصادی و بخصوص فقر مادی از عوامل اساسی بزهکاری به شمار می روند. (همان منبع:

۱۱۳)

نظریه بازدارندگی

در حالیکه نظریه انتخاب منطقی تاکید دارد تبهکاران هیچگاه به طور تصادفی مرتکب جرم نمی گردند. بلکه از روی درایت و تفکر مرتکب آن می شوند. با این حال این نظریه می گوید که تاثیرات خارجی مانند افزایش خطر دستگیری، می تواند افراد را از ارتکاب جرم بازدارد. این نظریه مفهوم بازدارندگی را شریح می دهد. هدف از بازدارندگی که همان پیشگیری از جرم می باشد، بر این فرض استوار است که مجرمین قبل از این که مرتکب جرمی شوند، خوب فکر می کنند. البته با این شرط که احتمال دستگیری و ترس از مجازات های شدید وجود داشته باشد.

نظریه تفسیر موقعیتی جرم

امروزه تفسیر جدیدی از جرایم ارائه شده و عبارتست از اینکه افراد به سوی فعالیت های تبهکارانه کشیده نمی شوند. بلکه به صورت فعالانه این عمل را انتخاب می کنند. آنها صرفاً می اندیشند که این عمل مجرمانه ارزش خطر کردن را دارد یا نه، لذا افرادی که ذهنیت مجرمانه دارند کسانی هستند که با آگاهی از گرفتار شدن تصور می کنند از موقعیت های که قانون را نقض می کند می توانند مزایایی کسب نمایند.

به عبارتی براساس این نظریه، فرد همانطور که برحسب منافع مادی خود تلاش می کند امکان دارد در مسیر عمل مجرمانه قرار گیرد. لذا بسیاری از مجرمین برای ارتکاب جرم از قبل برنامه ریزی نمی کنند بلکه بر حسب اتفاق یا موقعیتی که برای آنها پیش می آید مرتکب جرم می شوند.

این نظریه می تواند تا اندازه ای در خصوص ارتکاب قاچاق آن ها در حد خرد از جمله جاسازی چند قلم اجناس در زیر لباس یا اجیر گیری و مواردی از این گونه صدق نماید و به مرور فرد را در دام قاچاق انداخته و وی را به یک فرد قاچاقچی تبدیل نماید (شادنیا، ۱۳۷۸ : ۱۰۶)

نظریه انتخاب منطقی :

بعضی از نظریه پردازان معتقداند تعدادی از جرایم از شرایط و موقعیتهای وضعی و روانی نشات می گیرند که احساس عصبانیت، حسادت، ترس، حسرت، هیجان طلبی، انتقام و... را برمی انگیزند. بر اساس این نظریه که در قرن ۱۸ ارائه شده، فرد مجرم (در این جا قاچاقچی)، بدون توجه به دلیل ارتکاب جرم، راه حل نهایی را بعد از بررسی منافع و نتایج عمل انتخاب نموده، که بر اساس "نظریه انتخاب منطقی" می باشد. به عنوان مثال یک جوان به این نتیجه می رسد که فرصتهای اجتماعی بسیار کم و ناچیز بوده و بدست آوردن پول از راه قاچاق بسیار آسانتر است. افراد متخلف و مجرم بر اساس این نظریه افرادی هستند صاحب اراده، آزاد و مستقل و قادرند با عنایت به دخالتشان در جرم و بزهکاری، تصمیمات مقتضی و لازم را اتخاذ نمایند.

سیاستهایی که از این نظریه سرچشمه می گیرد، بیانگر این است که با متخلفین و افراد مجرم با شدت و سرعت برخورد شده و تلاش شود با افزایش احتمال دستگیری و تشدید عواقب آن، هزینه های اعمال جرم را افزایش دهند. لذا به پیشینه مجرمین یا شرایطی که بر جرم حاکم است، اهمیت کمی داده می شود. براساس این نظریه، چنانچه یک مجرم بسیار منطقی و خردمند باشد، در مرحله اول تشخیص خواهد داد که ارتکاب جرم با توجه به عواقب آن منطقی نخواهد بود.

نظریه تفسیر موقعیتی جرم:

امروزه تفسیر جدیدی از جرایم ارائه شده و عبارت است از اینکه افراد به سوی فعالیتهای تبهکارانه کشیده نمیشود، بلکه بصورت فعالانه این عمل را انتخاب میکنند. آنها صرفاً میاندیشند این عمل مجرمانه ارزش خطر کردن را دارد یا نه؛ لذا افرادی که ذهنیت مجرمانه دارند کسانی هستند که با آگاهی از گرفتار شدن تصور میکنند از موقعیتهایی که قانون را نقض میکند میتوانند مزایایی کسب نمایند. به عبارتی بر اساس این نظریه، فرد همان طور که بر حسب منافع مادی خود تلاش میکند، امکان دارد در مسیر عمل مجرمانه قرار گیرد، لذا بسیاری از مجرمین برای ارتکاب جرم از قبل برنامه ریزی نمیکنند، بلکه بر حسب اتفاق و موقعیتی که برای آنها پیش می آید مرتکب جرم میشوند. این نظریه می تواند تا اندازه های در خصوص ارتکاب قاچاق آن هم در حد خرد از جمله جاسازی چند قلم اجناس در زیر لباس یا اجیرگیری و مواردی از اینگونه صدق نماید و به مرور فرد را در دام قاچاق انداخته و وی را به یک فرد قاچاقچی تبدیل کند. این نظریه مطابق با مکتب کلاسیک بوده که معتقد است هر فردی در انتخاب کلیه افعال و اعمال خود کاملاً آزاد می باشد و می تواند بنا به میل و خواسته خود هر کاری را که بخواهد انجام دهد یا از آن سرباز زند.

نظریه دورکیم و مرتون:

دورکیم تشریح کرده است که در زمانهای رکود ناگهانی اقتصادی و یا رشد سریع اقتصادی آشفتنگی اجتماعی روی می دهد، لذا در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار آرزوهای انسانها از طریق هنجارها تنظیم و محدود شده و در مقابل از هم پاشیدگی هنجارها، آرزوهای بیحد و حصر اجتماعی و دائمی پدید آورده و فرد برای رسیدن به آرزوهای خود دست به فعالیتهای مجرمانه از جمله قاچاق می زند. مرتون نظریه دورکیم را گسترش داده و عدم تعادل بین اهداف و وسایل دستیابی به این اهداف را مورد توجه قرار می دهد و بیان میدارد بین اهداف و ارزشهای اقتصادی و فرهنگی یک تعادل وجود دارد و وقتی این تعادل به هم بخورد نظم اجتماعی از بین میرود و همین عدم تعادل، علت اصلی جرم از جمله قاچاق خواهد بود. با توجه به این نظریه میتوان چنین برداشت کرد که اگر در جامعه ارزشهای مادی و نیازهای روزافزون به انواع کالاها گسترش یابد، اما درآمد افراد برای دستیابی به این کالاها کافی نباشد، فرد را به فعالیتهای مجرمانه اقتصادی از جمله قاچاق سوق میدهد.

تئوری فقر و رفاه دیویس:

دیویس معتقد است که تمایل به فعالیتهای مختلف در انسانها وقتی بروز می کند که پس از یک مرحله رشد اقتصادی یک دوران رکود پیش آید، به طوریکه در مرحله رشد اقتصادی انتظارات و نیازهای جدیدی در آنها به وجود می آید که در عین حال ارضاء نمیشود و در مرحله رکود این انتظارات و نیازها متوقف نمی شود و یا عقب نمی رود بلکه همچنان رشد می یابد ولی

امکانات گرچه در ابتدا با سرعت کمتری از نیازها رشد می کند اما به زودی باز می ایستد، در نتیجه ناامیدی عمیق فرد را فرا می گیرد.

۴- انگیزه قاچاق

انگیزه مادی یکی از عوامل انگیزش مهم و بسیار تاثیرگذار در قاچاق کالا و ارز همانا گرایش های مادی است. رفاه طلبی و بهره مندی از یک زندگی مرفه، همیشه برای بیشتر افراد جامعه، وسوسه انگیز بوده و مسلماً در آن دسته از افراد که حس جاه طلبی در آنان به صورت یک خصلت ناپسند ولی غالب وجود داشته باشد. زمینه برای سقوط آماده تر شده و در صورت برخورد با فرصت ها به آسانی به سوی انحراف کشیده می شوند. (لرنی؛ ۱۳۷۸: ۱۹۳)

«قاچاقچیان از فرصت های مختلفی (محرومیت، بیکاری و غیره) جوانان استفاده کرده و عده ی را به فروش مواد افیونی و کالاهای ارزان به قیمتی گزاف در سطح های کلان و نیز خرید، اجیر نموده و با پرداخت مبالغ هنگفت و یا وعده دادن برای پرداخت آن و امیدوار کردن آنان برای آینده ی درخشان، به دروغ آنها را به دام انداخته و تشویق به فروش و فعالیت هر چه بیشتر در این راه خانمان برانداز کرده اند.» (کردوانی؛ ۱۳۷۸: ۲۸).

آنچه در اینجا قابل ذکر است این که جاذبه های اصولی و منطقی در ارتباط با رسیدن به مادیات، قاچاقچیان کالا و مواد مخدر را چنان فریفته است که برای ارضای آن، از هیچ کاری حتی در معرض خطر قرار دادن جامعه نیز دریغ نمی ورزند. غافل از اینکه ترویج چنین اقدامات غیر مجاز، در نهایت، گریبانگیر ترویج دهنده ی آن نیز خواهد شد.

۲- انگیزه های روانی: با فراهم بودن امکانات مادی؛ انگیزه روانی نیز در واقع شرایط را برای عمل قاچاق، مهیا و زمینه سازی می نماید و بالطبع آن را ترویج می دهد. بدین ترتیب که «انسان ها در ارتباط با نیازهای روحی و روانی خود به مرحله وابستگی خواص یا امیال و آرزوهای شان می رسند تا جای که حاضرند مبالغ هنگفتی را در جهت تامین آن بپردازند که بسته به ضعف و قوت خود، عاملی در جهت قدرت رواج قاچاق می گردد. (لرنی، ۱۳۸۳: ص ۲۹۷).

۵- عوامل مؤثر بر ایجاد و افزایش قاچاق کالا

۵-۱- پایین بودن ریسک قاچاق کالا

یکی از علل شیوع و گسترش قاچاق در کشور، پایین بودن هزینه ریسک قاچاق کالا می باشد به این معنا که احتمال موفقیت قاچاقچیان بین ۹۰ تا ۹۵ درصد است.

عواملی که منجر به پایین آمدن ریسک قاچاق کالا در کشور می شوند عبارتند از:

الف) عوامل جغرافیایی

- ۱- گستردگی مرزهای جمهوری اسلامی ایران اعم از زمینی و دریایی با کشورهای همسایه و عدم امکان کنترل کامل مرزها
- ۲- وضعیت جغرافیای مرزهای (آبی، رودخانه، خشکی) و امکان قاچاق از کلیه نواحی مرزی
- ۳- وضعیت استقرار روستاهای مرکزی

۴- جامع نبودن موانع فیزیکی و فنی در معابر ورودی و خروجی مرزها.

قاچاق منحصر به یک ناحیه مرزی کشور نبوده بلکه از کلیه نواحی مرزی قاچاق کالا صورت می گیرد عدم وجود حاکمیت ملی منسجم طی سال های اخیر در عراق و افغانستان منجر به قاچاق واردات و صادرات از این نواحی شده است در مرزهای شمالی کشور، قاچاق برخی از کالاهای یارانه ی نظیر آرد و نان و همچنین چوب و فرآورده های نفتی صورت می گیرد و انواع کالاهای به صورت قاچاق وارد کشور می شوند در مرزهای پاکستان و ترکیه نیز قاچاق صادرات بیشتر در قاچاق فرآورده های نفتی صورت می گیرد و انواع کالاهای نظیر پارچه و ظروف و لوازم آرایشی به شکل قاچاق وارد کشوری می شود.

عدم امکان نظارت دقیق و مؤثر بر شناساوریهای نواحی دریای خلیج فارس و دریای عمان نواحی جنوبی از جمله نواحی قابل توجه برای واردات قاچاق محسوب می شود با توجه به گزارشات دبیرخانه ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز تعداد ۲۳۰۰ شناور و لنج صیادی با ظرفیت ۱۰۰-۱۰ تن و بیش از ۲۶۰۰ شناور لنج باری با ظرفیت ۳۰۰-۲۰ تن و بیش از ۶۸۰۰ قایق صیادی در آبهای نواحی جنوبی کشور فعالیت می کنند از آنجایی که نظارت سازمان بنادر و کشتیرانی عمدتاً بر کشتی های باری تجاری و مسافربری بوده و نظارت چندانی بر لنج ها و قایق های صیادی صورت نمی گیرد امکان قاچاق حجم بالای کالاهای توسط شناورهای مذکور وجود دارد. (لشنی پارسا؛ ۱۳۸۷: ۹۶)

ب) عوامل امنیتی

- ۱- ضعف اقدامات کنترلی در مرزهای هوایی، دریایی، زمینی از سوی گمرک و نیروی انتظامی
 - ۲- ناکارآمدی مرزبانان متقابل در کنترل هر دوسوی مرز
 - ۳- عدم هماهنگی دستگاه های ذی مدخل قضایی، سیاسی و اجرایی در امر مبارزه با قاچاق.
 - ۴- عدم تفاهم بعضی از کشورهای همسایه در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و تعامل پلیس های کشورهای همسایه
- ناجا. (لشنی پارسا؛ ۱۳۸۷: ۹۷)

۲-۵- گران و پیچیده بودن واردات رسمی

از جمله عوامل مؤثر در گسترش قاچاق، هزینه های بالای حقوق ورودی و همچنین پیچیدگی و گستردگی فرآیند واردات رسمی می باشد برخی از وارد کنندگان برای تسریع در واردات، اقدام به واردت قاچاق می نمایند. تعرفه های ورودی بر کالاهای وارداتی از دیگر عوامل مهم در قاچاق کالاهای وارداتی تلقی می شود اخذ تعرفه های بالا به دلیل حمایت از تولیدات داخلی و کسب منابع درآمدی برای دولت صورت می گیرد اما هنگامی که این تعرفه ها از ریسک قاچاق بالاتر باشد تمایل به واردات قاچاق افزایش می یابد.

الف) عوامل قانونی

- ۱- قوانین و مقررات (دست و پا گیر، غیرشفاف و متغیر و ...) تجاری گمرکی و ارزی در کشور.
- ۲- پر هزینه و زمان بر بودن سیستم رسمی واردات و صادرات کالا در کشور.
- ۳- وجود برخی انحصارات دولتی و نهادها در نظام صادرات و واردات.
- ۴- سقف بالای تعرفه گمرکی بعضی از کالاهای دولتی.
- ۵- ناکارآمدی قوانین سیستم حمل و نقل کالا در کشور.

ب) عوامل فرهنگی - اجتماعی

- ۱- حاکمیت فرهنگ دلالی و واسطه‌گری و سودجویی در کشور
- ۲- ارزش تلقی شدن مصرف محصولات لوکس خارجی در جامعه (تجمل‌گرایی).
- ۳- کاهش انگیزش ادامه تحصیل در جوانان بعضی از روستاها.
- ۴- عدم تناسب انگیزه با هدف در نیروهای مبارزه‌کننده و نبود عزم و انگیزه ملی در مبارزه.
- ۵- وجود زمینه‌های انحراف بعضی از افراد در بدنه سازمان‌های متوالی امر مبارزه (محمودی؛ ۱۳۸۴: ۱۳۰-۱۲۷)

ج- سایر عوامل مؤثر بر قاچاق کالا

- ۱- تفاوت قیمت در ایران نسبت به کشورهای اطراف
 - ۲- مشکلات ساختاری بخش تولید که منجر به تولید کالا با کیفیت پایین و قیمت بالا شده است
 - ۳- بالا بودن میل نهایی به مصرف کالاهای وارداتی به دلیل کیفیت بالاتر
 - ۴- چرخه بیکاری و فقر در نواحی مرزی
 - ۵- وضع ممنوعیت‌های مقداری و محدودیتی بر ورود برخی از کالاها
 - ۶- عدم رعایت قانون مقررات صادرات و واردات و قانون امور گمرکی از سوی برخی نهادها و سهولت ورود کالاها از برخی مبادی در اختیار آنها
- ۷ از بین رفتن کشاورزی به دلیل خشکسالی‌های اخیر و هجوم کشاورزان به تجارت کوله‌باری.

۶- تهدیدات امنیتی قاچاق کالا

از دیگر مسائل مربوط به قاچاق، همانا «قاچاق کالا» «قاچاق آثار و مفاخر علمی و فرهنگی» هستند. تهدیداتی که در حاشیه آنها؛ تنش‌های فرهنگی، اجتماعی ایجاد شده است. رو به سوی بحران‌های جداگانه گذارده و در نهایت به تهدیدات دیگری علیه امنیت تبدیل خواهد شد.

یکی از تهدیدات امنیتی، همانا «بحران‌های اقتصادی» می‌باشد که نشانه بیماری نظام اقتصادی هر کشور است که وجه دیگر آن، رشد و گسترش «اقتصاد زیر زمینی» یا غیر رسمی که پدیده مجرمانه «قاچاق کالا» در این حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد. پدیده مجرمانه قاچاق کالا از جرایم سازمان‌یافته است که از طریق ارتکاب برنامه‌ریزی شده اعمال تبه‌کارانه به انگیزه کسب سود، به وقوع می‌پیوندد. در صورتی که برای رسیدن به چنین اهدافی، افرادی بیش از دو نفر به مدت طولانی یا نامحدود با هم به همکاری بپردازند اعمال آنها چه از نظر فردی و چه در مجموع عبارت است از :

الف- استفاده از ساختارهای بازرگانی و شبه تجاری

ب- توسل به خشونت یا سایر ابزارهای ایجاد رعب و وحشت

پ- اعمال نفوذ در سیاست، رسانه‌ها، تشکیلات دولتی، دستگاه‌های قضایی یا اقتصادی

قاچاق کالا پدیده‌ی جهان شمول است اما در تمامی کشورها، بحث بر سر بودن یا نبودن آن نیست بلکه در حال حاضر یکی از وجوه تمایز کشورها از یکدیگر، همانا میزان آلودگی آن کشور به قاچاق است. امروزه کشورهای غربی با کنار گذاردن

اصل رقابت و تضاد و شعار «جهانی شدن اقتصاد» سعی دارند به هر طریق ممکن، نوعی انحصار را به نفع خود، به وجود آورند. ترویج قاچاق کالا یکی از همین طریق، انحصار طلبی می باشد. آنها کالای را که تولید می کنند بعد احساس نیاز به آن را با شیوه های گوناگون از جمله انتشار انواع تبلیغات مستقیم و غیر مستقیم به وجود می آورند سپس آن نیاز را به ذهن جوامع مختلف، منتقل می کنند. آن ها می پذیرند و آن کالا را می خواهند در واقع بدون اعمال هیچ زور و فشاری، کالای مورد نظر را می خرند مصرف می کنند چون همراه کالا، تصور نیازمندی نیز منتقل می شود. جریان انتقال کالا، هنگام گذر از مرزها، اگر به مواعی مانند: خود کفایی اقتصادی، حمایت از تولیدات داخلی و جلوگیری از تهلاجم فرهنگی مواجه شود قاچاق، مطمئن ترین شیوه عبور از مواعی مذکور و تضمین کننده استمرار جریان انتقال کالا خواهد بود.» (شادیا؛ ۱۳۷۷: ۳۱)

ناگفته پیداست که قاچاق کالا، آثار و پیامدهای نامطلوبی را برای کشور ما و تمام کشور های در حال توسعه در بر دارد که در این جا به برخی از این تهدیدها و پیامدهای مخرب اشاره می نماییم:

- الف- قاچاق کالا، به توانایی های اقتصادی کشور، آسیب وارد می سازد.
- ب- قاچاق کالا، تهدیدی جدی برای صنایع و تولیدات داخلی، می باشد.
- پ- قاچاق کالا، به فناوری وابسته و سلطه ی اقتصادی، منتهی می شود.
- ت- قاچاق کالا، صنایع فروشی، نساجی، چای و ... همچنین محصولات خاویار، زعفران، برنج و... را رو به نابودی سوق می دهد و بر اعتبار جهانی آنها، لطمات جبران ناپذیر وارد می سازد و باطبع بر دامنه بیکاری و بزهکاری در جامعه می افزاید.
- ث- قاچاق کالا، فقر را در جامعه افزایش داده و شکاف طبقاتی در جامعه را تشدید می نماید.
- ج- قاچاق کالا، منافع ریالی و ارزی کشور را هدر می دهد.
- چ- قاچاق کالا، نظم امور مالی و نظم امور اقتصادی کشور را بر هم می زند.
- ح- قاچاق کالا، فرار سرمایه از کشور را تسهیل می کند و اجازه نمی دهد حجم نقدینگی موجود در جامعه، در چرخه تولید کشور به کار گرفته شود.
- خ- قاچاق کالا، موجب از بین رفتن صنایع و منافع ملی می گردد و در برنامه ریزی های اقتصادی، اختلال ایجاد می کنند و ... (لرنی؛ ۱۳۸۳: ۳۰۲-۳۰۱)

با توجه به این پیامدهای سوء باید نتیجه گرفت که قاچاق کالا و امنیت، دارای رابطه ای متضاد با هم هستند. بدین معنا که امنیت، شرایط و فضای مناسب برای حفظ ارزش ها ست و قاچاق کالا، در مقابل با ارزش ها حرکت می کند. لازم است که با قاچاق کالا، به طور هدفمند و منطقی مبارزه نموده که البته چنین مبارزه ی، نیاز به آن دارد که در ابتدا نظام اقتصادی کشور را ساماندهی نماییم و سپس برنامه های توسعه فرهنگی، اقتصادی کشور را با جدیت به مرحله اجرا در آوریم.

اما باید توجه داشت که مبارزه با اشکال قاچاق، به ویژه مبارزه با سرایت این پدیده ی مضموم به جامعه، بیش از آن که در توان و بر عهده ی نهاد های امنیتی و قضایی باشد، بردوش برنامه ریزان اجتماعی است. بیش از آنکه حوزه ممنوعیت های مطلق را افزایش دهیم بهتر است که این ممنوعیت ها را بر عموم جامعه، قابل پذیرش و توجیه پذیر نماییم.

۱-۶- اختلال در امنیت داخلی و محیط اجتماعی - فرهنگی

قاچاق کالا تا سال های نه چندان دور به شکل کنونی و به عنوان یک مسئله «امنیتی» مطرح نبود اما تدریجاً با افزایش روز افزون آن و تسری به عنوان کالا و نیز تغییرات حاصل در سیاست تجاری و اقتصادی دولت، رفته رفته به یک تهدید مبدل می شود. (وطن پور؛ ۱۳۸۷: ۷۱)

طی سال های گذشته مسئله قاچاق در ایران بر سیستم تهیه و توزیع کالا سایه انداخته و تقاضای داخلی ناشی از کمبود یا مطلوب نبودن تولیدات داخل و منفعت بالای قاچاق از یک سو و ناکارآمدی دولت از طرف دیگر در کنار سایر عوامل به روند روبه رشد قاچاق دامن زده است.

عوامل متعددی بر پیدایش و گسترش قاچاق - که زایده اقتصاد غیر رسمی است - اثر دارد یا به گونه ای آن را تسهیل می کند. اوضاع سیاسی - امنیتی همسایگان، سود آوری قاچاق، طولانی بودن تشریفات و هزینه های بالا واردات کالا، رشد سریع تجارت جهانی و تحولات تکنولوژیک، عدم نظارت کافی بر برخی از مناطق آزاد، سهل الوصول بودن دستیابی به منافع قاچاق، بیکاری و فقر در مناطق مرزی، قاچاق در پوشش ترانزیت، کالای همراه مسافر، وضع اقتصادی و تجاری همسایگان، نظام ارزی ناکار آمد داخلی، وجوه انحصارها فضای رانتی، اتخاذ استراتژی توسعه صادرات در کشورهای در حال توسعه، ورود موقت کالا، تبلیغات، فرهنگ، مصرف، سنت قاچاق، تردد مرزنشینان و ... از دیگر عوامل شکل گیری و گسترش قاچاق به حساب می آیند. (وطن پور؛ ۱۳۸۷: ۷۱)

۲-۶- تهدید امنیت سرمایه گذاری

سرمایه شامل امکانات و ابزار تولید است که می تواند موجب ایجاد درآمد جدید در دوره های بعدی شود (کاتوزیان ۱۳۵۸: ۱۴۷ به نقل از وطن پور: ۸۵) سرمایه از مهمترین نهادهای تولید است و ماهیتی گریزان و تهدید پذیر دارد. امنیت سرمایه گذاری از مهمترین ابعاد امنیت اقتصادی هر کشور است. کشور ما از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۸۵ تنها ۱۱٫۲ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کرده حال آنکه سه سال گذشته کشورهای کره جنوبی، ترکیه و امارات به ترتیب ۲۷، ۶ و ۲۲ میلیارد دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی داشته اند (میرزایی؛ ۱۳۸۵: ۱ به نقل از وطن پور، همان صفحه).

انگیزه و اشتیاق سرمایه گذاری برای سرمایه گذار در امور تولیدی با سود آوری قاچاق کاهش می یابد، زیرا قاچاق در مدت کوتاه سود سرشاری نصیب قاچاقچیان می کند که با سود حاصل از سرمایه گذاری مولد بسیار متفاوت است. از این زاویه قاچاق کالا می تواند سرمایه گذاری را از کانال اصلی منحرف کند. ضمن اینکه در انصراف سرمایه گذار از سرمایه گذاری در تولید محصولاتی که به صورت قاچاق هم وارد می شوند نقش اساسی دارد. (نور محمدی؛ ۱۳۸۱: ۲۸۱)

معمولاً سرمایه گذاری مولد در چهارچوب اقتصاد رسمی در کوتاه مدت به بازدهی مطلوب نمی رسد اما در بخش قاچاق این سود دهی زودتر امکان پذیر می شود، که تورم زاست و امنیت خاطر را از سرمایه گذاری مولد سلب می کند و در نگاهی کلی به پیشرفت اقتصاد شوک منفی وارد می سازد. دلایلی چون ورود و خروج کالا از مبادی غیر رسمی و عدم احساس امنیت اقتصادی می تواند انگیزه سرمایه گذاری را کاهش داده و به تبع آن انگیزه قاچاق محصولات را خارجی را افزایش می دهد یکی از مهم ترین ابزارهای موجود در دست دولت به منظور حمایت از سرمایه گذاری داخل، اعمال تعرفه های موثر است که قاچاق با عدم پرداخت این تعرفه ها، در واقع چتر حمایتی را از سرمایه گذاری بر می دارد، توان رقابتی محصولات داخلی را با اجناس مشابه خارجی کاهش می دهد و سود سرمایه گذاری را پایین می آورد (بهرامی و ...؛ ۱۳۸۵: ۱۱۵).

۷- آسیب های پدیده قاچاق

در کشور ما ترویج مدگرایی یا ایجاد نیازهای کاذب در جامعه، تشدید مهاجرت از شهرها و حاشیه نشینی، دگرگون کردن چهارچوب های رفتاری جامعه، کاهش ضریب امنیتی اجتماعی، گرایش به مشاغل غیر شرافتمندانه، تهاجم فرهنگی، شکست شدن قبح قاچاق و تبدیل آن به شغل متعارف و... از جمله پیامدهای پدیده قاچاق است. (وطن پور؛ ۱۳۸۶: ۱۱) علاوه بر آن از دیگر آسیب های این پدیده به این موارد می توان اشاره کرد.

۷-۱- آسیب های اقتصادی

۱- خروج ارز، از کشور برای واردات کالا قاچاق، افزایش تقاضای ارز به دلیل محدودیت های ارزی، کاهش ارزش پول ملی؛ افزایش تورم و قیمتها را به دنبال خواهد داشت و از طرفی تورم مجدداً به کاهش ارز پول ملی خواهد شد.

۲- به علت سود آوری کلان قاچاق در کوتاه مدت، سرمایه گذاری در صنایع کشور کاهش یافته که این امر کاهش اشتغال را به دنبال خواهد داشت.

۳- وجود کالای متنوع خارجی از نظر قیمت و کیفیت امکان رقابت بعضی از تولیدات داخلی را با کالای مشابه خارجی که به صورت قاچاق وارد گردیده را کاهش داده که این امر اثرات مخربی بر تولیدات داخلی خواهد داشت.

۴- گرایش و جهت گیری بخشی از نقدینگی جامعه به دست قاچاق که موجب خروج بخشی از منابع و سرمایه ها از بخش تولیدات مولد می گردد.

۵- ورود و خروج ارز به صورت قاچاق توسط عوامل قاچاق باعث می گردد تا کنترل و نظار بر جریان منابع ارزی در کشور با مشکل روبه رو گردد.

۶- بخشی از درآمدهای پیش بینی شده دولت از محل سود بازرگانی و حقوق گمرکی کالای وارداتی تحقق پیدا نخواهد کرد.

۷- اختلال در سیاست های دولت در زمینه تبادلات تجاری و بازرگانی. (لشنی پارسا؛ ۱۳۸۷: ۱۰۴-۱۰۳)

چون در قاچاق کالا بر خلاف تجارت رسمی، ابتدا نوع کالا و قیمت و میزان آن مشخص نیست بنابراین برنامه ریزی های تولیدی و سیاست های تجاری دولت و بخش های خصوصی همواره با ریسک همراه است. لذا تولید کننده با توجه به این ریسک یا در فرایند تولید شرکت نمی کند یا در صورت ورود آگاهانه، نرخ بازگشت سرمایه بالاتری را در زمان کوتاه طلب می کند. دولت هم در برنامه ریزی تولیدی با همین مشکل رو به رو است.

در این حال قاچاق کالا با توجه به اثراتی همچون بی ثباتی اقتصادی و اختلال در برنامه ریزی های اقتصادی در سیستم توزیع باعث لوٹ شدن نظرات دولت و آسیب پذیری اقتصادی کشور خواهد شد. قاچاق وارداتی مانع از کنترل بهینه دولت بر مجموع هزینه های وارداتی و اختصاص ارز موجود به واردات کالاهای ضروری و سرمایه ی می شود که نقش بیشتری در رشد

تولید ناخالص داخلی و رونق اقتصادی دارد. قاچاق با ایجاد تحریف در تولید ناخالص ملی، توان دولت را در اتخاذ روش های صحیح اقتصادی برای رسیدن به اهداف مورد نظر کاهش می دهد، یا این اهداف و سیاست ها را کم اثر یا، بی اثر کرده و آنها را از کارکرد مورد انتظار می اندازد. (نهبان؛ ۱۳۷۷: ۳۵)

قاچاق در مقیاس وسیع می تواند بهینه سازی نظام تولید، توزیع مصرف را به شکست بکشاند و سازد کارهای مالی و پولی نظام اقتصادی را ناکار آمد و دامنه آن را به سیاست های بازرگانی و موازنه تجاری توسعه دهد. همچنین ورود کالا های غیر ضروری و غیر موثر بر فشرده گی رقابت صنایع ملی در بازار داخلی اثر منفی دارد (مقدسی: ۱۲۱-۱۲۰) پیامد های دیگر قاچاق در اقتصاد، افزایش نرخ ارز در بازار آزاد به علت افزایش تقاضای آن به واردات غیر قانونی کالا است. بخش های مهم از توازن ارزش ها ریال در برابر ارز در بازار غیر رسمی وابسته به قاچاق است، بازرگانی غیر قانونی به پول رسمی کشور فشار آورده و اثرات تورمی به دنبال دارد (معاونت طرح و برنامه گمرک، 48:1381 به نقل از وطن پور؛ ۱۳۸۷: ۸۵)

قاچاق کالا شرایط توزیع درآمد و ثروت های اجتماعی را بر هم می ریزد و مقدرات اقتصادی دولت را که می تواند از طریق هزینه های عمومی و اعطای یارانه و دیگر حمایت های اجتماعی به طبقه محروم کمک کند، کاهش می دهد. رسیدن طبقه قاچاقچی به ثروت هنگفت، روند فقیر تر شدن طبقات پایین جامعه را سرعت می بخشد چرا که با افزایش تقاضا و فشارهای تورمی، سطح رفاه اجتماعی پایین آمده، طبقات فقیر در تنگناهای بیشتری قرار می گیرند و فاصله آنها با طبقات غنی بیشتر می شود. در کشور ما که میزان بالاترین درآمدهای جامعه به چند برابر پایین ترین آنها می رسد نباید از قاچاق کالا که در تداوم این نابرابری بی تاثیر نیست به سادگی گذشت. (مجموعه مقالات همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی؛ ۱۳۸۲: ۱۰۱ به نقل از وطن پور؛ ۷۵)

- ۱- رشد و توسعه بخش های اقتصاد زیر زمینی کشور.
- ۲- سود آوری بسیار بالای قاچاق نسبت به سایر فعالیت های اقتصادی بازرگانی رسمی.
- ۳- افزایش نرخ بی کاری در کشور و ضعف ایجاد فرصت های شغلی مولد.
- ۴- عدم تعادل عرضه و تقاضای کالاهای مورد نیاز جامعه.
- ۵- کیفیت پایین برخی از محصولات داخلی و رقابت ناپذیری آنها با مشابه خارجی.
- ۶- رشد بی رویه حجم نقدینگی در کشور و ضعف هدایت بخش سرمایه گذاری جهت اشتغال مولد.
- ۷- عدم کارایی سیستم توزیع کالا که امکان کنترل را محدود می سازد.
- ۸- نقض در سیستم بانکی کشور در زمینه جلوگیری از پولشویی و جوه حاصله از جرائم قاچاق.
- ۹- گستردگی دخالت دولت در اقتصاد.
- ۱۰- عمومیت پیدا کردن فقر در لایه های مختلف جامعه (فقر به معنای نابرابری درآمد و هزینه ها) و ایجاد نابرابری های فاحش وضعیت مالی برخی افراد.

۷-۲-۱- آسیب های فرهنگی - اجتماعی پدیده قاچاق

۷-۲-۱- ۱- تهاجم فرهنگی

یکی از انواع قاچاق وارد کردن ابزارهای تهاجم فرهنگی از قبیل کتب، جراید، برو شور های منحرف کننده، تصاویر مبتذل، CD و دیسک های رایانه ی، نوارهای ویدئوی و کاست های مبتذل و ضد اخلاقی و همچنین انواع اسپری، قرص های اسپری، قرص های محرک، آلات و ادوات قمار و مشروبات الکلی می باشد.

با وارد شدن این اقلام به دور از منظر مامورین مجری قوانین و خانواده، جوانان جامعه در معرض تهدید- های جدی فرهنگی، اخلاقی قرار می گیرند و الگوهای رفتاری و فکری خاصی را دشمن به آنان تلقین می- نمایند. در اثر استمرار قاچاق این کالاها به تدریج ارزش های مقدس جامعه رو به ضعف می رود.

هرچند که قاچاق کالا در مجموع، زمینه های هجوم فرهنگی را فراهم می سازد ولی موضوع تهاجم فرهنگی در ورود برخی از کالا های قاچاق تجلی می یابد. وارد کردن ابزار تهاجم فرهنگی همچون مشروبات الکلی، تجهیزات دریافت از ماهواره، البسه خلاف عرف، کتاب ها، جراید و فیلم های منحرف کننده، سی دی های مستحجن، اسپری، کرم، قرص های محرک، آلات و ادوات قمار و ... مستقیم‌آدر این مسئله نقش دارد. این اقلام که به انحنای مختلف انجام می شود. افراد خصوصاً جوانان را با تهدیدهای جدی مواجه کرده، و از نظر اخلاقی و فرهنگی در معرض انحراف قرار می دهد» (شجیعی گیسور؛ ۱۳۸۶: ۲۸-۲۵).

۲-۲-۷- غارت هویت فرهنگی

قاچاق اموال فرهنگی- تاریخی توسط شبکه های قاچاق باعث رونق موزه های کشورهای غربی گردیده و این امر باعث می گردد تا نسل جوان نتواند با گذشته خود ارتباط برقرار نماید و با پند و عبرت از گذشتگان چراغی فرا راه آینده خویش بسازد. نسلی که با فرهنگ و تمدن خود نتواند پیوند داشته باشد احساس پوچی، بی اصالتی و بی هویتی می نماید و این احساس تفکر او و حرکتش به سوی آینده موثر می افتد.

۳-۷- تضعیف و کاهش تولید داخل

حیات اقتصادی هر کشور وابسته به تولید بوده و تولید مهمترین عامل پویای سرمایه های مالی و انسانی است. زیرا تولید به اندازه ی در رشد مولفه های ارزشی و اجتماعی موثر است که اگر سطح آن پایین باشد توسعه این مولفه ها به خطر خواهد افتاد. (نوری ۱۳۸۳: ۳۲) قاچاق و دامپینگ داخلی سبب اختلال و گسیختگی در نظم برنامه ریزی های تولیدی شده و هزینه های جانبی را افزایش می دهد. (نور محمدی؛ ۱۳۸۱: ۲۸۴)

به اعتقاد بعضی از کارشناسان حدود یک سوم نیروی کار در بخش اقتصاد زیرزمینی متمرکز است که از این مقدار بیش از ۵۰ درصد را قاچاق تشکیل می دهد به ازای هر ۴ میلیارد دلار قاچاق در سال ۸ در صد تولیدات داخل دچار می شود، برای این که قاچاق، بزرگتر شدن بخش خدمات و کوچکتر شدن تولید و حتی سقوط واحد های تولید را تسهیل می کند (محمدی؛ ۱۳۸۰: ۶ به نقل از وطن پور: ۸۱)

کاهش تولید داخلی ناشی از قاچاق سبب کم شدن رقابت پذیری می شود و کشوری که رقابت پذیری در آن کم باشد سهم اش از کل صادرات اجناس کم، و به واردات اضافه می شود.

کاهش اشتغال در بخش تولید با افزایش جذب نیروی کار در بخش های دیگر اقتصادی غیرقابل جبران است. با کاهش بهره وری و تنزل اقتصادی، تراز پرداخت ها رو به وخامت می گذارد و عقب ماندگی صنعتی نسبت به رقبای باز ماندن از توسعه در معیارهای جهانی اتفاق می افتد. (هیوت؛ ۱۳۷۷: ۵۳) و نتیجه، پیوستن کشور به سازمان و تجارت جهانی با تاخیر مواجه می شود؛ چرا که لازمه ورود به این سازمان افزایش کیفیت و رقابت پذیری کالاهای تولید در مقایسه با اجناس مشابه خارجی و رفع موانع تولید است. بنابراین چنانچه با قاچاق که مانع سودآوری شدن تولید داخلی است، مقابله اساسی نشود پیوستن دائم به سازمان مذکور نیز دشوارتر خواهد شد. (بهیکش؛ ۱۳۸۴)

گزارش و آمارهای ارائه شده از سوی بنگاه های اقتصادی اعم از صنعتی و کشاورزی نشان دهنده کاهش تولید در برخی از محصولات داخلی مانند پوشاک و منسوجات، دخانیات، لوازم خانگی، لوازم آرایشی، آهن آلات، رایانه و متعلقات، کاشی و سرامیک لوستر و لامپ، مبل، کفش، اسباب بازی، چای، دارو و شیر خشک، و سایر صوتی تصویری و... و به موازات افزایش واردات اجناس مشابه از طریق قاچاق است.

۴-۷- کند کردن توسعه مناطق مرزی

مبادلات مرزی نتوانسته است مناطق مرزی را به توسعه مطلوب رهنمون کند با این که در گذشته بسیاری از نواحی مرزی کشور از امکانات و اقلیم مناسب زندگی برخوردار نبوده اند اما بخشی از این مشکلات هنوز به قوت خود باقی است، تا اندازه ای که در مهاجرت مرزنشینان به برخی از کشورهای همجوار یا رشد قاچاق کالا به رغم همه تهدیدات دولتی به دست مردم و تلاش در جهت بهبود معیشت آنان بی تاثیر نبوده است. (نور محمدی، ۱۳۷: ۱۱۶-۱۱۵)

هم اکنون بخشی از اعتباراتی که می توان صرف عمران مرزها شود عملاً صرف مبارزه با قاچاق می شود. رواج و سود دهی قاچاق در نواحی مرزی می تواند فعالیت مفید و مقرون به صرفه صنعتی و کشاورزی را تحت الشعاع قرار دهد و به عدم استقلال بکشانند و سرمایه گذاری بخش خصوصی را در توسعه این مناطق دچار تردید کند، ضمن این که انگیزه سرمایه گذاری را در این مناطق به لحاظ دوری از بازار فروش و فقدان ساختار اقتصادی مطلوب کاهش دهد.

۸- اقتصاد پنهان و وضعیت کالا

اقتصاد سرمایه ی شامل آن دسته از فعالیت ها و درآمدهای حاصل از آن می شود که با نیرنگ و کلک و یا هر چیز دیگر که به منظور طفره رفتن و اجتناب از مقررات، پرداخت مالیات و یا مشاهده شدن توسط مقامات رسمی به دست می آیند.

در یکی از منابع، اقتصاد پنهان این گونه تعریف شده است: اقتصاد پنهان آن دسته از فعالیت های اقتصادی که در حساب های ملی محاسبه نمی شود و ثبت آماری ندارد. این فعالیت ها تولید غیر قانونی کالا، خدمات قمار، قاچاق کالا، خدمات انسان، مواد مخدر، یارانه های پنهان دولتی که مورد تقویم قرار نمی گیرد و درآمد های گزارش نشده را شامل می شوند.

به هر حال، از مجموع تعاریف ارائه شده در مورد اقتصاد پنهان می توان نکات زیر را به دست آورد:

۱- در اقتصاد پنهان قوانین و مقررات رسمی اقتصاد نادیده گرفته می شود و یا آن که با قوانین در تعارض است.

۲- اقتصاد پنهان هم در حوزه اقتصاد دولتی و هم در اقتصاد خصوصی تبدیل به یک پدیده می شود.

۳- عملکرد اقتصاد پنهان معمولاً به مقامات دولتی گزارش نمی‌شود؛ یعنی ثبت آماری ندارد و در حساب‌های ملی به حساب نمی‌آیند.

۴- اقتصاد پنهان، انواع فعالیت‌ها همچون تولید غیر قانونی کالا، خدمات انسانی، مواد مخدر، یارانه‌های پنهان دولتی که مورد تقویم قرار نمی‌گیرد و گاهی به طور مستقیم سود خصوصی و در نهایت درآمد‌های گزارش نشده را شامل می‌شوند.

۵- درآمد کمتر نسبت به آنچه باید وصول شود، دریافت می‌دارد.

۶- اقتصاد پنهان با نیرنگ و حیل، از زیر پرداخت مالیات طفره می‌رود و فرار مالیاتی را شکل می‌دهد.

۷- کارگاه‌های کوچکی هستند که با سرمایه‌های کم به تولید می‌پردازند و گاهی سرمایه آنها در حد صفر است.

۸- از فناوری‌ها و مهارت‌های سطح پایین استفاده می‌شود.

۹- مشاغل بسیار ناپایدار هستند. (کلاهمال همدانی؛ ۱۳۸۷: ۱۹)

۸-۱- ریشه‌ها و علت‌های اقتصاد پنهان (خاکستری)

علاوه بر عوامل بین‌المللی و شناخته شده که در وجود آمدن اقتصاد زیرزمینی دخالت دارند چند عامل مؤثر دیگر در وجود آمدن اقتصاد زیرزمینی در ایران نقش دارند تاریخ، حمایت مالی دولت از فعالیت‌های اقتصادی غیرشفاف، سیاست‌های اقتصادی منحرف شده، محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی که از سوی دولت در زندگی روزمره مردم ایجاد شده، تبعیض میان زن و مرد و نظارت ضعیف دولت از جمله ۷ رکن تقویت‌کننده اقتصاد زیرزمینی در ایران هستند. البته تاریخ غیردموکراتیک و موروثی ایران، علت اصلی این مشکل است. دیوار بی‌اعتمادی میان دولت و مردم که از مدت‌ها پیش بنا شده باعث می‌گردد، شهروندان فعالیت‌هایشان را تا آنجایی که می‌توانند از دولت پنهان کنند.

بی‌ثبات بودن قوانین دولتی، باعث هدایت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در فعالیت‌های پنهان شده است. تداوم رشد کند اقتصاد رسمی ایران و تداوم بیکاری در بازار آزاد نیز در رشد اقتصاد زیرزمینی مؤثر بوده‌اند. ناکافی بودن سرمایه‌گذاری، سرعت پایین رشد اقتصادی در کنار افزایش جمعیت باعث کاهش درآمد سرانه و افزایش فقر شده است. اقداماتی چون کنترل قیمت‌ها، پرداخت یارانه، توزیع کوپن و اختصاص بودجه برای اجرای طرح ضربتی اشتغال به نوبه خود در گسترش حجم اقتصاد زیرزمینی مؤثر بوده است.

کنترل قیمت برخی از کالاها باعث به وجود آمدن بازار سیاه، پرداخت یارانه موجب قاچاق کالاهای یارانه‌ی به کشورهای همسایه و خرید و فروش کوپن کالاهای اساسی در بازار شده است. همچنین کم شدن استخدام رسمی باعث افزایش ساعات کار شهروندان در منازل شده است.

علاوه بر این، مالیات‌های نابرابر، تعرفه‌های بالا، هزینه‌های آزاردهنده و مقررات و قوانین پیچیده در زمینه صدور پروانه برای سرمایه‌گذاری و معضل کاغذ بازی در ادارات همگی باعث شد، بسیاری از نهادهای اقتصادی، به صورت قانونی، فعالیت‌های خود را ثبت نکنند.

و در نهایت ناتوانی دولت در اجرای قوانین و محدودیت‌های وضع شده باعث گسترش و پیشرفت اقتصاد زیرزمینی شده است. (آموزگار؛ جهانگیر، عضو سابق صندوق بین‌المللی پول (IFM))

مولفه های اجتماعی- فرهنگی در شکل گیری این پدیده عمدتاً با عدالت اجتماعی ارتباط پیدا می کنند. عدالت اجتماعی، الزام به عدالت در مناسبات اجتماعی و رفع تبعیض در بین گروه های اجتماعی، قشرهای اجتماعی (زنان و مردان) اقوام و نژادها بین مناطق مختلف است. در بحث مورد نظر ما، عدالت اجتماعی در واقع وجود فرصت های برابر اجتماعی برای کسب آموزش و مهارت و دسترسی به سرمایه های مالی و فیزیکی از طریق بازار های مناسب است. هرگاه در این حوزه خدشه ی به وجود آید، پدیده ناهنجار اجتماعی شکل می گیرد که از مهمترین آنها فساد اداری، بوروکراسی و نداشتن ممنوعیت شرعی قاچاق کالا است. در حوزه فرهنگی نیز می توان از عدم ممنوعیت قاچاق کالا از سوی برخی علمای مذهبی اهل سنت، تمایل اقشار پردرآمد بر مصرف کالاهای لوکس، حجم وسیع تبلیغات کالاهای خارجی در سطح دنیا و تشویق به مصرف توسط رسانه های ارتباطی نام برد.

اگر هو شمندی داشته باشیم، در خواهیم یافت که قاچاق کالا «عارضی» است و نه «ذاتی». به این معنی که انسان ها ذاتاً عدالت گرا هستند و از بی عدالتی رنج می برند، اما زیاده خواهان مستکبر دنیای سرمایه داری در ایجاد بی عدالتی نقش اصلی را دارند این همان چیزی است که می گوئیم قاچاق کالا پدیده ی عارضی است نه ذاتی. این پدیده، همچنین عامل بیرونی دارد، نه عامل درونی.

با کمی دقت در می یابیم که به لحاظ «ژئو کالچرال» نیز پدیده قاچاق کالا، نتیجه اندیشه و عملیات فرهنگ و دنیای سرمایه داری است. در حوزه مرزی می بینیم که مردان مرزنشین، اکثراً در معرض این تهدیدات بیرونی اند، اما در هر حال، اکثریت آنان تن به مبارزه ای جانانه با این پدیده داده و حتی شهدای زیادی را در این راه تقدیم کرده اند. (کلاهمال همدانی؛ ۱۳۸۷: ۲۰)

۲-۸ علل ژئواستراتژی اقتصاد پنهان (قاچاق کالا)

از منظر ژئواستراتژی، بررسی علل اقتصاد پنهان جالب می نماید. دنیای سرمایه داری سعی می کند کشورهای را که به نوعی دارای موقعیت استراتژیک هستند، به نحوی تحت کنترل خود قرار دهد. ایران و مرزهای آن دقیقاً از این شرایط برخوردارند. مرزهای شمالی کشور ما سد فرهنگی و سرزمینی در حوزه امپریالیسم فرهنگی و سیاسی تفکرات شرق است. مرزهای جنوبی و آب های آن نیز مرکز انتقال انرژی به دنیای غرب و دسترس به آب های آزاد دنیا از مزایای استراتژیک آن است. مرزهای غربی، با وجود شرایط طبیعی، سد نفوذ فرهنگی و سیاسی اسلام آمریکای است. غرب ایران نیز فرهنگ اسلامی را ترویج می کند و سد بزرگی در ایدئولوژی دنیای استکبار به شمار می آید.

با عنایت به این تصویر کوچک استراتژیک و این شرایط حساس، طبیعی است که دنیای بیرون تلاش دارد در دولت و ملت ایران نفوذ کند. ایجاد فساد، هم در سیستم دولتی و هم در ابعاد خصوصی به مثابه یکی از استراتژی های موثر دنیای سرمایه داری است که می توان آنومی های شدیدی را به وجود آورد که به بحران و در نتیجه، سقوط دولت و ملت منجر شود. بر هم زدن «موازنه پایدار» در میان عوامل گوناگون و موثر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... در شرایط مشخص زمانی نیز از دیگر مواردی است که نقش خود را با توجه به مفهوم امنیت پایدار نشان می دهد. از این نظر مرز و مرزداران از همه ابعاد مورد هجوم امنیتی قرار می گیرند. در واقع، امنیت به شکل سیستماتیک مورد توجه است و دشمن تلاش خواهد کرد، بیشترین نفوذ سیستماتیک را به مرزداران اعمال کند تا این سد محکم را بشکند و به آسانی در سیستم حکومتی- مردمی کشور نفوذ کند.

بنابراین بر هم زدن موازنه امنیت پایدار در مرزهای کشورها (که به عنوان مهمترین سیبیل هجوم مطرح است) از استراتژی اصلی دنیای سرمایه داری به شمار می رود. به همین سبب لازم است که امنیت پایدار و در واقع توسعه متوازن در مرزها از سوی دولت مردان جدی گرفته شود تا این دیوار فرهنگی - اقتصادی فرو نریزد. با این تعابیر به خوبی قابل درک است که چرا اقتصاد پنهان با مسائل فرهنگی، اقتصادی و استراتژیک در مرز گره می خورد.

۳-۸ تاثیرات مخرب اقتصاد غیررسمی

فعالیت های غیررسمی دو نوع تاثیر مخرب بر رشد اقتصادی و بهره وری دارند. اول: محرک های قوی و پویایی در کارند که منافع شرکت ها را به اقتصاد پنهان گره زده و این شرکت ها را کوچک و ناکارآمد نگه می دارند. یکی دیگر از تاثیرات مخرب فعالیت های غیررسمی فرار از پرداخت مالیات و مقررات قانونی است. شرکت های غیررسمی با فرار از پرداخت مالیات و مقررات شغلی خود جدا از هزینه هایی که به دولت وارد می کنند با تصرف سهم بیشتری از بازار، رقبای بزرگ، قانونی و کارآمد را از بازار بیرون می رانند. البته تاثیرات نامطلوب فعالیت های غیررسمی تنها به هزینه های اقتصادی محدود نمی شود بلکه هزینه های اجتماعی نیز از پیامدهای محتوم این قبیل فعالیت ها است. (فتاحی؛ ۱۳۸۳: ۱)

۹- سیاست ها و راهبردهای ستاد مبارزه با قاچاق کالا

سیاست های جدید ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز برای تحقق موارد مذکور در سه محور اعلام شده است؛

سیاست های علمی - فرهنگی: سیاست های علمی - فرهنگی افزایش قبح قاچاق در بین مردم، افزایش حمایت ملی بر تولیدات کیفی، ایجاد و توسعه تعامل بین ستاد و دانشگاه ها و مراکز علمی پژوهشی، گردآوری و در دسترس قرار دادن اطلاعات و منبع مورد نیاز، افشای روش ها و اشخاصی که منابع غیر قانونی دارند.

سیستم های پیشگیری و بهبود روش ها: ساماندهی راه های شبه قانونی ورود و خروج کالا به سمت مسیرهای قانونی، روان سازی و تخصصی کردن توان تجارت خارجی و قانونی، توسعه انضباط اقتصادی و انضباط انتظامی، انطباق مقدرات و اعتبارات استان ها برای اشتغال مولد و رفاه نقاط محروم، افزایش انگیزه کارکنان دستگاه های مبارزه کنند. **سیاست های مقابله ی:** تشدید مجازات ها با هدف کاهش صرفه و صلاح در قاچاق، تمرکز توان و مقدرات دستگاه ها در مبارزه با دانه درشت ها، افزایش سهم مستند سازی و کار اطلاعاتی دستگاه ها و نهایتاً برخورد قاطع با قاچاق چیان. (دو ماهنامه پژوهشی تحلیلی اقتصاد پنهان، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز خرداد و تیر ۱۳۸۷: ۶)

جمع بندی و نتایج

چالش ها و چشم اندازهای حوزه جرایم اقتصادی (قاچاق کالا و ...) فراوان بوده و حل مسائل و مشکلات این حوزه بر راحتی امکان پذیر نمی باشد. عدم توجه به نقش تعیین کننده شاخص های کلان اقتصادی در کنترل جرایم اقتصادی، نبود عزم جدی در برخورد با این گونه جرایم، تعدد سازمان های مسئول، نبود قانون جامع و فراگیر، وجود قوانین گمرکی قدیمی و غیر قابل تطبیق با اقتصاد جهانی، وجود رانت های مختلف سیاسی و اطلاعاتی و... از جمله مهمترین چالش های این حوزه می باشد. به منظور کاهش و کنترل میزان جرایم اقتصادی، توجه همزمان به پیشگیری، مقابله کیفر مجرمان امری ضروری است که بایستی

در ابعاد اقتصادی- اجتماعی، قضایی، اطلاعاتی، فرهنگی و ... به اجرا گذاشته شود. در این میان بزرگترین چالش حوزه جرایم اقتصادی را می توان عدم برخورد قاطع مراجع قضایی با این جرایم نبود وحدت رویه در این حوزه دانست که در صورت ادامه روند موجود شاهد گسترش بیشتر جرایم اقتصادی بوده و سایر ارکان جامعه همچون خانواده، اقتصاد، فرهنگ و در نهایت امنیت ملی نیز از خطرات آن در امان نخواهد بود. با توجه به مطالب ذکر شده روند موجود چشم انداز حوزه جرایم اقتصادی مخصوصاً قاچاق کالا چندان امیدوار کننده به نظر نمی رسد و در صورت عدم توجه جدی مسئولین به این مقوله چالشی اساسی پیش روی امنیت ملی در دو بعد داخلی و خارجی وجود داشته که اعتبار و اقتدار کشور را مورد تهدید قرار می دهد.

با توجه به گستردگی وظایف نیروی انتظامی، مبارزه با قاچاق کالا و ارز یکی از وظایف آن می باشد و با عنایت به چند وجهی بودن پدیده قاچاق و دخیل بودن بسیاری موارد در موضوع قاچاق از جمله موقعیت جغرافیایی جمعیت، فرهنگ عمومی، اقتصاد و معیشت عمومی مردم منطقه، وجود زیر ساخت های اساسی اقتصادی، اعتقادات مذهبی و چالش های موجود مابین قومیت ها و وفاداری مردم مرزنشین نسبت به بنیادهای حکومتی هر کدام به نوعی و در حد خودش ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با انجام جرایم به ویژه جرم قاچاق دارند.

مطالعه دقیق و تحقیقی در راستای علل و عوامل قاچاق در مناطق مرزی مابین کشورها به خصوص در مرزهای نظام جمهوری اسلامی ایران می توان به عدم اشتغال زایی جوانان، اختلاف فاحش قیمت ها در آنسوی مرز، نبود زیرساختهای اقتصادی، آشنایی کامل مردم مرزنشین به نقاط کور و حساس جدار مرز، وجود قرابت های نسبی و سببی مابین مرزنشینان دو طرف مرز - نبود امکانات و زمین های کشاورزی مستعد و... اشاره گردد.

دیگر اینکه برای حل معضل قاچاق سایر سازمان های ذی مدخل در این موضوع به خوبی به وظایف خود عمل نمی کنند لذا در این صورت آخرین راه جلوگیری از قاچاق همان اقدامات فیزیکی نیروهای مستقر در مرز می باشد و در این صورت قریب به اکثریت افراد مرزنشین و قاچاقچی فقط نیروهای مرزی را مانع کسب غیرقانونی خود تلقی می کنند.

فعالیت های قاچاق بر جریان تولید و اشتغال و ساختارهای آن اثرگذار است و می تواند موجب تشکیل یک طبقه کوچک، ولی ثروتمند شود. این طبقه قادر است سیاست ها و اهداف دولتی را در توزیع عادلانه دارایی، دچار مشکل سازد و در مواردی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی را دستخوش تغییر کند.

قاچاق با مقیاس وسیع قادر است رشد اقتصادی را کند سازد، احساس عدم امنیت اقتصادی به وجود آورد، هزینه های پنهان را افزایش دهد، گردش پول و کالا را آشفته سازد و عوارض زیانباری بر نظام اقتصادی تحمیل کند.

مسئله قاچاق در ایجاد صدمات گوناگون به کشور از جمله: رکود صنایع و تولیدات داخلی، کاهش درآمدهای دولتی، تضعیف امنیت سرمایه گذاری، کاهش اشتغال و اخلال در سیاست های بازرگانی به عنوان پیامدهای اولیه، توانایی خود را به ظهور رسانده است.

در پایان با تکیه بر دستاورد های توصیفی و تحلیلی مقاله، بررسی پیشنهادهای کلی زیر می تواند راهکارهایی را برای مقابله با این معضل عرضه کند:

۱۲- راهکارهای اجرایی

الف) در سطح انتظامی

- جلب همکاری مرزنشینان در نگرهبانی و دفاع از مرز.
- اشتغال زایی در مناطق محروم مرزی.
- ایجاد معابر مرزی برای تبادل کالای مورد نیاز جهت امرار معاش روستائیان نوار مرزی.
- تثبیت محل سکونت مرزنشینان و جلوگیری از مهاجرت مرزنشینان.
- تقویت پاسگاه ها و پایگاه های مرزی.
- نصب نیوجرسی و دیوار بتنی و دوربین های حرارتی.
- اختصاص اعتبارات کافی جهت اقدامات فیزیکی.
- اعزام گشت و کمین به نقاط کور و حساس، که البته در فصل های بهار و تابستان و اوایل فصل پاییز این کار انجام می گیرد.

ب) در سطح اجتماعی

- فرهنگ سازی در جهت قبح معضل قاچاق.
- حل مشکل استخدام جوانان فارغ التحصیل از دانشگاهها و دبیرستان ها.
- حمایت موثر و سازنده از تولیدات داخل و حمایت از واردات قانونی.
- افزایش ظرفیت های تولیدی با اجرای برنامه های توسعه اقتصادی.
- کاهش قیمت ها از طریق پایین آوردن هزینه های نهایی تولید و جانشین کردن محصولات داخلی به جای واردات.
- سازماندهی و نظارت بر مناطق آزاد تجاری و بازارچه های مرزی
- طراحی نظام کنترل گردش پول و کالا به منظور به حداقل رساندن سوء استفاده های قانونی و مالی و حذف زمینه های رانت جویانه
- اعمال تدابیر ضد دامپینگ و مبارزه با پول شویی.
- گسترش همکاری های اقتصادی با کشورهای اسلامی و به خصوص همجوار.
- افزایش سرمایه گذاری در مناطق مستعد.
- اصلاح نظام مالیاتی، کاهش موانع غیرتعرفه ی و حذف انحصارات به منظور ایجاد فضای رقابتی و جلوگیری از رکود صنایع داخلی.
- تشدید مجازات های بازدارنده و افزایش ریسک قاچاق.
- افزایش تنوع، استاندارد و کیفیت محصولات داخلی با هدف جانشین کردن این محصولات به جای واردات (پیاده سازی استراتژی جایگزینی واردات).
- تولید کالاهای موردنیاز و غیر رقابتی خارجی در داخل تحت نظارت و پشتیبانی کشورهای سازنده برای جلوگیری از واردات غیر قانونی.

منابع

- ایمانی راد، مرتضی (۱۳۸۰) « خلی از صنایع ورشکسته خواهند شد» روزنامه همشهری، ماهنامه آبانماه .
- باباحیدر، ساغر، (۱۳۸۰) « بررسی و اندازه گیری عوامل موثر بر اشتغال در بخش غیر رسمی ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه اصفهان.
- بهرامی؛ محسن و قاسمی؛ بهروز(۱۳۸۵) آسیب شناسی قاچاق کالا در ایران، انتشارات فارابی، تهران.
- بهیکش؛ محمد علی (۱۳۸۴) رقابت شرط ورود به تجارت جهانی، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا، نشریه داخلی، شماره ۶۷ (اسفند ماه) تهران.
- جورکش ، محمدرضا (۱۳۸۰) تحلیلی بر قاچاق کالا در استان هرمزگان، فصلنامه امنیت ، سال پنجم، شماره بیست و سوم و بیست و چهارم ، خرداد و تیرماه .
- خانی ، مراد ، (۱۳۷۹) کالا و ارز، ضرورت بازنگری مجدد، روزنامه بیان، مورخه چهاردهم اسفندماه .
- خداوردی ، علی ، ۱۳۷۶، جرایم سازمان یافته، روزنامه اطلاعات ، مورخ بیست و هشتم دیماه .
- خداوردی ، علی ، ۱۳۷۹ ، بررسی علل و پیامدهای پدیده قاچاق کالا، مجله نگرشی بر تحولات سیاسی، شماره نودوهفت و نودوهشت.
- خداوردی، علی ، ۱۳۷۹ ، قاچاق کالا ، زمینه ها ، پیامدها و راهکارهای مقابله با آن ، مجله نگرشی بر تحولات سیاسی ، شماره یکصدوهشت و یکصدونهم.
- خلیلیان، صادق (۱۳۸۰) ریشه های قاچاق و راه های مقابله ، روزنامه اطلاعات، مورخ سوم مرداد ماه .
- دفتر برنامه ریزی ، سیستم ها (۱۳۸۰) نگاهی به زمینه های قاچاق کالا در کشور و اقدامات گمرک، مجله گمرک.
- رفیع پور، فرامرز ۱۳۷۶ ، کندوکاو و پنداشت ها با مقدمه ای بر روشهای شناخت.
- شادنیآ ، ۱۳۷۷ ، قاچاق کالا و امنیت، فصلنامه امنیت، سال اول ، شماره پنجم و ششم، آبان و دی ماه .
- شادنیآ، هوشنگ (۱۳۸۴) بررسی علل قاچاق کالا، علل موجود و افزایش آن، مجله نگهبان ، شماره هشتاد و هشت و هشتاد و نه ، مرداد ماه .
- شادنیآ، هوشنگ ، ۱۳۸۴، قاچاق کالا و امنیت اجتماعی ، مجموعه مقالات امنیت اجتماعی، تهران، نشر آشنا،
- شادنیآ؛ هوشنگ(۱۳۷۷) قاچاق کالا، تهدیدی برامنیت کشور، نشریه امنیت، سال دوم شماره ۵ و ۶ (آبان و دی ماه) ناشر، حوزه معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور، تهران.
- فتاحی؛ حمید رضا (۱۳۸۳) مروری بر حجم و آثار اقتصاد، روزنامه- شرق.
- کردوانی؛ پرویز (۱۳۷۸) نقش عوامل جغرافیای نامساعد در توسعه قاچاق مواد مخدر، نشریه «امنیت» سال سوم، شماره ۷-۸ (دی و بهمن ماه) حوزه معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور، تهران.
- کلاهمال همدانی؛ احمد(۱۳۸۷)، بررسی وضعیت مرزهای قاچاق کالا و ارز دوماهنامه پژوهشی تحلیلی اقتصاد پنهان (مرداد و شهریور) ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تهران.
- لرنی؛ منوچهر(۱۳۷۸) آسیب شناسی امنیت، چاپ اول، نشر پیام پویا، تهران.
- لرنی؛ منوچهر(۱۳۸۷) نقد و تحلیل مسائل اجتماعی ایران، نشریه بهینه فراگیر، تهران.
- لشنی پارسا؛ روح الله (۱۳۸۷) چالش ها و چشم اندازهای قاچاق کالا، دوماهنامه توسعه انسانی پلیس، دفتر تحقیقات ناجا، تهران .

- محمودی؛ وحید (۱۳۸۲)، ستاد اقتصادی و توسعه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شرکت ایرانچاپ، تهران.
- مداح؛ مجید (۱۳۸۷) علل و پیامد های قاچاق کالا در ایران، دو ماهنامه پژوهشی و تحلیلی اقتصاد پنهان (خرداد و تیر) ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تهران.
- مصطفی تبریزی ، علی و رضا، تابستان ۱۳۷۰ ، بیگانگی ، فصلنامه علوم اجتماعی ، شماره دوم
- مصطفی تبریزی، علیرضا، ۱۳۸۳ ، و ندالیم ، تهران: نشر آن
- مهدی ، امیر ، ۱۳۸۰ ، آثار زینبار تجارت زیرزمینی بر اقتصاد ملی ، روزنامه سیاست روز ، مورخه بیست و ششم خرداد ماه
- نمایان فرشید، نمایان، پیمان، ۱۳۸۶ پدیده قاچاق و تاثیر آن بر روند امنیت در جامعه ، فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره هشتم و نهم ، زمستان و بهار
- نمایان، پیمان، ۱۳۸۴ ، تاملی پیرامون جرم قاچاق در حقوق کیفری، روزنامه اطلاعات، مورخه نوزدهم و بیست و ششم خردادماه و دوم تیرماه
- نور محمدی؛ خسرو (۱۳۸۱) بررسی قاچاق کالا و راه کارهای هدایت فعالیت های قاچاق به مسیرهای قانونی و رسمی، معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران، تهران.
- نوری، جعفر ، ۱۳۸۲ ، گسترش قاچاق در بستر اقتصاد نابسامان و سیاست جنایی مقابله با آن ، مجله تخصصی الهیات و حقوق دانشگاه علوم رضوی ، سال سوم، شماره نهم و دهم، پاییز و زمستان
- وطن پور؛ علیزاده (۱۳۸۶)، بررسی اجمالی آثار سود سیاسی- اجتماعی قاچاق، فصلنامه دانش حفاظتی و امنیتی، تهران.
- وطن پور؛ علیزاده (۱۳۸۷) قاچاق کالا و تاثیر آن بر امنیت اقتصادی کشور، فصلنامه علمی- ترویجی کارآگاه، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا، تهران.